

دوست گرامی فرزانه جعفرزاده بوشهری

کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان بم ضمن تشکر و قدردانی عمیق بخاطر ارسال این گزارش، صمیمانه خود را در غم عمیق شما در از دست دادن ۲۰۰ نفر از اقوام نزدیکتان شریک میدانم.

کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان بم

۱۳ ژانویه ۲۰۰۴

گزارش زنده ای از فرزانه جعفرزاده بوشهری

یکی از بازماندگان فاجعه بم!

با سلام و درود فراوان به همه کسانی که همیشه طرفدار حق و حقیقت هستند. من حدود ۲۰۰ نفر از عزیزانم را در زلزله بم از دست دادم و به حقیقت سوگند یاد میکنم که قلبم بدرد آمده و از عمق وجودم آه میکشم. تا سن ۲۲ سالگی در آن طبیعت زیبا و قشنگ و دوست داشتنی بزرگ شدم، در کنار عزیزانم خواهر، برادر، دایی ها، خاله ها، بچه های برادر و خواهر و حالا جای بسی تاسف است که تعداد زیادی از آنها را از دست دادم. این فاجعه جانکاه برای من غیر قابل باور است و دردناک.

روز سوم زلزله برادرم و همسر و ۴ فرزندش را به همراه نوه هایش از دل خاک بیرون کشیدند، کوچکترین پسر برادرم با دستهای خودش و به کمک بیل و کلنگ آنها را از زیر آوار بیرون آورده و عزیزانش را دسته جمعی بخاک سپرده، او به من میگفت: عمه دو روز راه میرفتم بدون تغذیه و بدون اینکه متوجه باشم امروز چند شنبه است و وقتی آنها را از زیر آوار بیرون آوردم هنوز جان داشتند و اگر کسی روز اول به سراغشان میرفت خیلی ها نجات پیدا میکردند. از برادر زاده ام دو پسر و یک دخترش زنده هستند ولی همسر و یک دخترش جان باختند و هنوز هیچ نوع کمک مالی و جنسی تا به امروز که این گزارش را برایتان مینویسم، دریافت ننموده اند.

سه ساعت قبل از زلزله شدید بم عزیزان خوابگاه دانشجویان آزاد اسلامی با اصرار و پا فشاری از مسئولین خوابگاه درخواست نمودند که اجازه بدهید ما به طبقه دوم یا طبقه اول برویم که اگر اتفاقی افتاد خودمان را سریع به حیاط برسانیم، اما متاسفانه کسی به حرف آنها توجه نکرده (البته یکبار اجازه میدهند و ساعت ۳ دوباره اعلام میکنند وضعیت به حالت عادی در آمده برگردید به خوابگاههای خودتان) و ساعت ۵ صبح بود که ۴۰۰ نفر از دانشجویان تلف میشوند. چه کسی باید جواب این مردم را بدهد؟

موضوع دیگری که چشم هر بیننده ای را بدرد می آورد و دل هر انسانی را آتش میزند زنده بگور شدن انسانها در این فاجعه میباشد.

وقتی بیل مکانیکی به جستجوی این عزیزان می پردازد و آنها را از زیر خاک بیرون می کشاند، عدم حضور پزشکان در آنجا باعث میشود تا کسی حتی کنترل نکند که آیا این انسانها جان سپرده و یا اینکه هنوز جان دارند و می شود نجاتشان داد؟ کما اینکه در فیلم پخش شده از کانال خود حکومت دیدیم بیچاره پسر بچه ای پایش را از زیر کفن تکان داد تا دیگران متوجه زنده بودنش شدند. به جای گسیل کردن فوری یک هواپیما آخوند که دستور میدهد همه را دسته جمعی دفن کرده و خاک رویشان بریزند، آیا نباید پزشکی در آنجا حضور داشته باشد که مردم بیرون کشیده شده از زیر آوار را معاینه کند تا از زنده بگور شدن این انسانهای دوست داشتنی و عزیزان جلوگیری شود؟ در ساعات اولیه گسیل شدن نیروهای حکومت جنایت زیادی در حق مردم روا داشته شده است. راستی چه تعداد از کسانی که با کمک شبانه روزی مردم از زیر آوار بیرون آورده شدند زنده زنده دفن شدند؟

یک خواهر دیگر من با همسر و فرزندانش که همه میگویند بطور معجزه آسایی زنده ماندند بعد از ۹ روز هنوز از ابتدای ترین امکانات بهداشتی و بهزیستی محروم هستند، من هنوز حتی نتوانستم صدای آنها را بشنوم، ارتباط برقرار نیست، فعلا یک رشته برق شهری وصل شده ولی هنوز آب ندارند. همسر خواهرم شیون و ناله میکرده که مادرش و خواهر و برادرش با فرزندانشان که یک خیابان بالاتر از آنها هستند زیر آوار مانده اند و شاید زنده باشند ولی چون سن خودش بالاست و سالخورده میباشد، به تنهایی نمیتوانسته به کمک آنها بشتابد و کسی هم نبوده که کمکش کند تا آنها را از زیر آوار بیرون بکشد بدلیل اینکه کمی از مرکز شهر دور هستند.

همسر خواهر دیگرم که خودش را از تهران به شهر زادگاهش میرساند تا بلکه دو برادر و اقوام دیگرش را جستجو کند تا بحال که نزدیک چند هفته از این خبر دردناک میگذرد نتوانسته به تهران برگردد و تاکنون ۱۴۳ نفر را از دست داده و کسی دیگر برایش باقی نمانده است. با آقای دیگری صحبت کردم که از اقوام من میباشد، میگفت: داروخانه مرا و طلا فروشی برادرم را زدند تا به امروز نتوانستم از بیمه یا دولت پولی دریافت کنم. دایی کوچکم که در کرمان سکونت دارد به یاری دو خانواده شتافت، این خانواده همگی فرهنگی هستند هم خودش هم همسرش و بچه های آنها دانشجو هستند، تعدادی از این خانواده به کمک دایی من روانه بیمارستان شدند، میگفت: من با لباس خواب بودم و حتی کفش پایم نبود، در مقابل چادر هلال احمر، حتی یک جفت دمپایی به من ندادند. متأسفانه تا به امروز هر چه مراجعه کرده که کمکی دریافت کند تا هفته قبل که من از وضع او خبر دارم، نتوانسته بود کمکی دریافت کند و من از یک نفر از عزیزان از تهران خواهش کردم که به کمک آنها بشتابند، چون در روزهای اول است که این مردم مصیبت زده به غذا و لباس نیاز مبرم دارند.

براستی چه کسانی باید در قبال این مردم داغدیده و ستم دیده و مردمی که هنوز صدای ناله آنها از چهارگوشه شهر بم به گوش میرسد پاسخگو باشند؟، آیا کسی برای این عزیزان ارزش قائل میشود؟ جای بسی تأسف است که

در دنیا با اینهمه تکنیک پیشرفته و جدید هنوز در بم به مردم گفته میشود تحمل کنید، صبر کنید، میخواهند چندین بیل الکترونیکی بیاورند و ماشینهای سنگین و عزیزان را از زیر آوار بیرون بکشاند در حالی که مردم با همت بلند خود بدون امکانات به کمک یکدیگر می شتابند، با بیل و کلنگ انسانها را از زیر آوار بیرون میکشند! آیا اگر یکی از کاخهای آقایان دچار آتش سوزی شود یا دچار حوادث دیگری شود به همین شکل رسیدگی میکنند؟ مطمئن باشید که نه.

چطور وقتی ساعت ۱۰ شب و ۱۲ شب و ۳ صبح زلزله زمین را تکان داده آیا مسئولین نمی بایستی همه را آگاه سازند که خانه هایشان را ترک کنند و خود در آماده باش کامل باشند؟ چطور به فکر این بودند که زندان را از بتون آرمه بسازند. چطور ۹ ساعت پس از فاجعه رسماً به مردم دروغ گفتند، پنهان کردند، فرصت از دست دادند، نگذاشتند که خود مردم به داد هم برسند؟

خبر دیگر مربوط به چپاول کمکهای ارسالی به مردم از طرف ارگانهای مربوط به رژیم است که از همان روزهای اول شروع شده است و این موضوع بر مردم کاملاً آشکار و معلوم است و مردم کوچکترین اعتمادی به هیچ یک از ارگانهای وابسته به رژیم ندارند به همین دلیل مردم تصمیم میگیرند که کمکهایشان را خودشان به دست مردم زلزله زده برسانند، اما نیروهای رژیم در مقابل مانع تراشی میکنند. یکی از اقوام من به کمک این آسیب دیدگان می شتابد. ایشان با یک تریلی و یک کامیون به همراه ماشین شخصی خودش از کرج حرکت میکند تا در بم ستادی بزند و اجناس را خودش عادلانه بین مردم تقسیم کند، اما سپاه مانع این کار شده و دخالت میکند و حتی بطرف مردم تیراندازی میکنند و آنها مجبور میشوند از صحنه دور شوند، نیمی از اجناس را به سرعت بین مردم تقسیم میکنند و نیمی دیگر را در اختیار هلال احمر کرمان قرار میدهند و مجدداً دکتري که مسئول هلال احمر است با سپاه درگیر میشود، چون ایشان میگویند که بایستی هر چه هست در اختیار مردم قرار گیرد و سپاه میگوید نه باید اول برود انبار بعد ما خودمان تقسیم خواهیم کرد و هنوز این درگیری بین سپاه و هلال احمر ادامه دارد. تعجب نکنید این روزها همه میتوانند اجناس خارجی را که از نقاط مختلف دنیا برای کمک به مردم بم ارسال شده را در بازارها به وفور ببینند که خرید و فروش میشود و در عوض اجناس درجه ۳ هم به دست بازماندگان این فاجعه نمیرسد. و مردم همچنان با کمترین امکانات دست و پنجه نرم میکنند، کمبود امکانات پزشکی، امکانات بهداشتی و زیستی و تغذیه هنوز از مردم محروم قربانی میگیرد. روحیه مردم بم و سایر مردم شهرهای ایران نسبت به این دزدی و چپاول کمکهای اهدایی بسیار تعرضی است. هر کجا که میروی صحبت از دزدی کمیته امداد امام، هلال احمر، سپاه و بسیج است. خود اهالی بم حتی دست به تحصن زدند، مردم میگویند پس کو این کمکهای اهدایی؟

طبق خبر دیگری کودکانی که از این فاجعه جان بدر بردند به نوعی دیگر قربانی نظام سرمایه میشوند. آقای نبی الله عشقی مدیر کل دفتر امور خانواده سازمان بهزیستی در مصاحبه با روزنامه شرق اعلام میکند که «مواردی دیده شده است که پس از سپردن کودکان به خانواده ها آنها خرید و فروش شده اند و یا در بیمارستانها بستری و

کلیه هایشان در آمده و فروخته شده است» تنها خود رژیم و سران دولتی هستند که مسئول مستقیم این فاجعه هستند. روزهای اول که خود بمی ها فریاد میزدند که بچه ها و دخترها را میزدند و به بندر میروند، همین آقایان حکومت گفتند دروغ است، شایعه است، ولی الآن مجبورند اقرار کنند.

مسئله مهم دیگر در ایران بی اهمیت بودن ساختمان سازی بدون در نظر گرفتن مسائل امنیتی در مقابل زلزله و دیگر حوادث است، آقایان بساز بفروش که فقط به فکر سود خویش هستند برای اینکه جواز ساخت بگیرند با پرداخت پول هنگفتی به حساب شهرداری یا شخص مسئول جواز ساخت دریافت میکنند بدون اینکه توجه شود که آیا مسائل امنیتی از لحاظ ساختمانی در نظر گرفته شده است یا نه. بی توجهی جمهوری اسلامی در تهیه مسکن مناسب برای مردم در این ۲۵ سال حکومتش و روشهای غلط و غیر امن خانه سازی، در فقر و بدبختی و محروم نگه داشتن اکثریت مردم از امکانات رفاهی و بی ارزش کردن جان انسانها همه ارمغان حکومت اسلامی است که تا به حال خود را به زور سرنیزه به مردم تحمل کرده است.

انسانهایی که زیر آوار زلزله مدفون شدند می توانستند زنده باشند اگر این رژیم بر ایران حاکم نبود سران رژیم حسابهایشان در کشورهای خارجی پر است و جای نگرانی ندارند ولی بازماندگان زلزله زده و دردمند بدون امکان رفاهی زندگی میکنند در حالی که ایران کشور ثروتمندی است اصلا معادن نفت و منابع در آمد جاهای دیگر را در نظر نگیریم بیایند فقط درآمد یکماه خود استان کرمان را بین مردم آن دیار تقسیم کنند هر کسی میتواند در رفاه و آسایش زندگی کند، اما رژیم علاوه بر پر کردن جیبها و حسابهای بانکی خود بقیه را هزینه نگهداری ارگانهای سرکوب خود مثل سپاه و ارتش و وزارت اطلاعاتش میکند، اگر این در آمدها صرف مردم و امنیتشان میشد اگر احتمال این وجود داشت که منطقه ای مثل بم زلزله خیز است باید کل مردم منطقه را در جای امن دیگری ساکن میکردند، و این هزاران نفر زیر آوار زلزله مدفون نمیشدند و حالا زنده بودند. همه اینها قابل پیشگیری بود اگر رژیم حاکم بر ایران جان انسانها برایش ارزش داشت.

من به عنوان یکی از بازماندگان این فاجعه نمیدانم شکایتم را از دست این دزدان و آدمکشان حاکم بر ایران به کجا ببرم. تصور کنید که در عرض یک شبانه روز ۲۰۰ نفر از عزیزان خود را از دست بدهید. تصور کنید که هم اکنون زندگان بم نیز در چه وضعیتی زندگی میکنند؟ در چادرهای برزنتی که تازه آنها هم با پرداخت پول به آنها فروخته میشود! بدون امکانات رفاهی، بدون هیچ سرپناهی! این در حالی است که همین الان این حکومت کثیف دارد کلی بودجه به تبلیغات برای انتخابات مجلس خودش، مجلس یک مشت آخوند کثیف و جنایتکاران اختصاص میدهد.

من از سازمانهای مترقی و انساندوست تقاضا میکنم که دادخواهی مردم بم را بکنند. ۵۰ هزار کشته و چندین هزار بازمانده فقیر و دربدر و آواره و داغدار؟ مسئول این جنایت حکومت است.